

حزب توده و نیروی سوم: از اسطوره تا واقعیت / گفت‌وگوی محمدحسین خسروپناه، حمید شوکت، پرویز صداقت و آرمان نهچیری

• نقد اقتصاد سیاسی

«از مجموعه میزگردهای «درس‌های یک قرن»

**حزب توده و نیروی سوم:
از اسطوره تا واقعیت**



گفت‌وگوی
محمدحسین خسروپناه، حمید شوکت،
پرویز صداقت، آرمان نهچیری

درس‌های
یک قرن

نقد
اقتصاد
سیاسی

جمعه، ۷ آبان، ساعت ۲۱
www.pecritique.com
youtube.com/pecritique

سال‌های 1320 تا 1332 دوره‌ای استثنایی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. در پی نزدیک به دو دهه حاکمیت اقتدارگرایی مرکزی، اشغال ایران به‌دست متفقین، به‌موازات بحران‌های اقتصادی، معیشتی، امنیتی و اجتماعی، فرصتی هم برای نقش‌آفرینی جامعه‌ی مدنی فراهم ساخت

در این بستر، حزب توده‌ی ایران، بزرگ‌ترین و منسجم‌ترین تشکیلات مدرن سیاسی در تاریخ معاصر ایران، فعالیت خود را آغاز کرد و همراه با آن مجموعه‌ای متنوع از تشکل‌ها، انجمن‌ها و نشریات کارگری، دهقانی، روشنفکری، دانشجویی، زنان، دانش‌آموزی و دیگر گروه‌های اجتماعی پدیدار شد. تکوین و توسعه‌ی این حزب علاوه بر بستر مساعد تاریخی و اجتماعی در پی خلاء قدرت بعد از سال‌های دیکتاتوری رضاشاه، حاصل بهره‌مندی از تجربه‌ی چند دهه فعالیت جریان‌های سوسیال‌دموکرات و کمونیست در فاصله‌ی سال‌های 1285 به این سو بود.

در سال 1326، جمعی از «اصلاح‌طلبان» درون حزب به رهبری خلیل ملکی تشکیل «جمعیت سوسیالیست توده‌ی ایران» را اعلام کردند. اما حزب توده و اتحاد شوروی چنین انشعابی را برنتابیدند و به تندترین شکل ممکن به مشنعبین تاختند که به شکل‌گیری شکاف تاریخی عمیقی در میان این هم‌حزبی‌های پیشین منتهی شد.

در بحث حاضر، در دل این بستر تاریخی، با بازخوانی انشعاب تاریخی خلیل ملکی از حزب توده، زمینه‌هایی را واکاوم می‌کنیم که به مرور به شکل‌گیری چارچوب‌های ایدئولوژیک – سازمانی نهادی‌شده‌ی نوعی «راست‌کیشی استالینیستی» و نیز نوعی رفرمیسم سوسیالیستی در جنبش چپ معاصر در ایران منتهی شد. درباره‌ی حزب توده و نیروی سوم بسیار نوشته شده از پژوهش‌های تاریخی تا خاطرات بسیاری از فعالان هر دو جریان، هدف در این‌جا تکرار روایت‌های تاریخی از حزب توده و منشعبان آن نیست، بلکه می‌کوشیم با زدودن اسطوره‌ها از روایت‌های تاریخی، کارنامه‌ی تاریخی، ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و سازمانی هر دو جریان را واکاوم و بپرسیم نسل‌های امروز چه درس‌هایی از ایدئولوژی، سیاست‌ورزی، کنشگری اجتماعی و فرهنگی و نحوه‌ی سازمان‌دهی این دو جریان که خصم یکدیگر شدند، می‌آموزند؟

اعضای میزگرد (به ترتیب الفبا): محمدحسین خسروپناه، حمید شوکت، پرویز صداقت و آرمان نهچیری

زمان پخش در سایت نقد اقتصاد سیاسی و یوتیوب

جمعه 29 اکتبر (7 آبان)، ساعت 21 به وقت تهران، ساعت 18:30 به وقت اروپای مرکزی و لندن، ساعت 12:30 به وقت تورنتو و شرق آمریکا، ساعت 9:30 صبح به وقت ونکوور و غرب آمریکا

محمدحسین خسروپناه

نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر



اختلاف‌های سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی از جمله پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر فعالیت حزب سیاسی است. وجود سازوکارهای دموکراتیک و کارآمد درون حزبی برای برطرف کردن اختلاف‌ها می‌تواند به تحکیم سازمانی و توانمندی سیاسی – ایدئولوژیک آن حزب بینجامد. یکی از معضلات

جنبش چپ ایران از آغاز تاکنون، چگونگی برخورد با اختلاف‌های سیاسی و ایدئولوژیک است. در نبود سازوکار دموکراتیک و کارآمد، اختلاف‌ها به منازعه و انشعاب، و انشعاب هم به کین‌توزی و ستیزه و تضعیف جنبش چپ منجر شده است. انشعاب ۱۳ دی ۱۳۲۶ یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین نمونه‌های این روند معیوب در جنبش چپ ایران است.

پس از انشعاب، حزب توده و منشعبان روند متفاوتی در پیش گرفتند: حزب توده، به‌ویژه پس از کنگره دوم، با شتاب بیشتری به عنوان حزب لنینیستی خود را سازمان داد و رواداری پیشین از بین رفت.

منشعبان به دو جناح تقسیم شدند: عده‌ای که بانیان اصلی انشعاب بودند تشکل کمونیستی سازمان دادند و جناح دیگر با عدول از کمونیسم، به تبلیغ و ترویج سوسیالیسم و مقابله با کمونیسم پرداخت.

این وضعیت می‌توانست در دراز مدت به تکثر در جنبش چپ ایران و تقویت آن منجر شود اما کودتای ۲۸ مرداد فرصت نداد تا آن سه جریان چپ، بتوانند از کین‌توزی‌ها و تنگ‌نظری‌ها عبور کرده و به عنوان گرایش‌های چپ بایکدیگر و دیگر احزاب سیاسی رقابت کنند.



حمید شوکت

نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر

جایگاه خلیل ملکی در تاریخ معاصر ایران و دیدگاهش درباره آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم موضوع صحبت‌م خواهد بود. زندگی سیاسی ملکی را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد: حزب توده، حزب زحمتکشان ملت ایران، نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی. نگاه به نقش و آرای او در هر یک از این‌ها، زمینه‌های آشنایی با ملکی و میراثی است که از او بر جای مانده است.

آرمان نهچیری

نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر



جریان اصلاح‌طلب درون حزب توده در نخستین سال‌های فعالیت این حزب چه می‌خواست؟ مبانی نظری انشعاب‌کنندگان از حزب توده را که در نهایت به شکل‌گیری حزب نیروی سوم منتهی شد چه بود؟ سرانجام، بحث درباره‌ی عملکرد نیروی سوم و واشکافی میراث نظری و عملی این جریان برای نسل‌های امروز.



پرویز صداقت

گرداننده‌ی بحث

